

مبارزه جوانان شیلی بر ضد نولیبرالیسم



مصاحبه با "کامیلا والیو"، از رهبران جنبش دانشجویی شیلی

تلاش رسانه‌ها، در بی‌اعتبار کردن جنبش‌های اجتماعی

کامیلا والیو، از فعالان شناخته شده دانشجویی شیلی و از مخالفان سرسخت سیاست‌های نولیبرالی "سباستیان پی‌نیه‌را"، رئیس جمهوری شیلی، است. اکنون نه تنها جنبش دانشجویی، بلکه استادان دانشگاه‌ها و کارگران و هزاران تن از شیلیایی‌های ناراضی در بین لایه‌های مختلف مردم، صدای اعتراض خود را به ضد این سیاست‌ها بلند کرده‌اند.

کامیلا، پرورده پدر و مادری کمونیست، دانشجوی کارشناسی ارشد در رشته جغرافیای "دانشگاه شیلی"، و رئیس انجمن دانشجویان این دانشگاه، از نسلی از رهبران اجتماعی است که سختی دوران موحش دیکتاتوری پینوشه را نکشیده‌اند، ولی بی‌باکانه در برابر حاکمانی قد علم کرده‌اند که سه برابر آنان سن دارند. دفاع این رهبران نسل نوین از آرمان‌های‌شان در برابر مجلس نمایندگان شیلی، در برنامه‌های تلویزیونی، و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، تحسین‌برانگیز است.

شیلی کشوری است که در آن آموزش، و نیز دیگر خدمات اجتماعی پایه‌یی مثل بهداشت و درمان و مسکن، بسیار گران است، و بنابراین دسترسی به این خدمات و با کیفیت خوب آن،

محدود به کسانی است که توان مالی پرداخت هزینه آن‌ها را دارند. پی‌نیه‌را، امر آموزش رایگان را که یکی از خواست‌های اصلی دانشجویان و دانش‌آموزان است قاطعانه رد کرده است. امروزه بسیاری از شیلیایی‌ها به آرژانتین، که تحصیل در آنجا بسیار ارزان تر است، برای تحصیل می‌روند. هم‌اکنون در حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ جوان در دانشگاه‌های آرژانتین مشغول تحصیلند. وضعیت کنونی آموزش در شیلی، بُن‌مایه و علت اصلی پیکار جنبش توده‌یی و گسترده‌یی است که در حال حاضر در شیلی با عنوان "برای آموزش رایگان و با کیفیت خوب برای همه" جریان دارد. در ادامه مطلب، مصاحبه روزنامه آرژانتینی "Pagina 12" را با کامیلو والیو، درباره جنبش دانشجویی شیلی می‌خوانید.

س- اتحاد و همبستگی جنبش در برابر فشارهای سیاسی، چه از جانب نیروهای راست گرا و چه از جانب دولت، در چه حدی است؟

ج- جنبش کنونی نقطه قوت‌های زیادی دارد، از جمله: گستردگی آن، که بسیار فراتر از دانشجویان است و آن را به یک جنبش اجتماعی فرارویانده است؛ اتحاد بخش‌های گوناگون عرصه آموزش و پرورش که پس از یک روند طولانی توانسته‌اند نیروهای خود را، با هدف ارائه خواست‌هایی متحد، یکی کنند؛ در نظر داشتن نظریات و آرای عامه مردم در روندی دموکراتیک، که در خلال بحث و تبادل نظرهایی به منظور تعیین بهترین راهبردهای قابل استفاده، شکل گرفت؛ و سرانجام، این مزیت که جنبش کنونی ما از تجربه تاریخی جنبش‌های گوناگون پیش از ما بهره می‌برد، از جمله "جنبش پنگوئن" [اشاره به رنگ سیاه و سفید لباس متحدالشکل دانش‌آموزان]- که در سال ۲۰۰۶ شکل گرفت و میشل باشله، رئیس جمهوری وقت شیلی، را زیر ضربه گرفت، اما بالاخره هم به قول‌هایی که برای ایجاد تغییر در نظام آموزشی داده بود عمل نکرد. جنبش کنونی ما برای رویارویی با ترفندهای "راست گراها" و دولت، از همه این منابع بهره خواهد گرفت. تا این لحظه، توانسته‌ایم در برابر این ترفندها از خود دفاع کنیم.

س- نظر تان درباره شیوه برخورد دولت چیست؟ دولت تا کنون پاسخی به خواست‌های شما نداده، توجه کمی به موضوع نشان داده است، و تلاش کرده است که راه پیمایی‌های شما را خشونت‌آمیز جلوه دهد.

ج- دولت به حرف شهروندان کشور گوش نمی‌دهد، و این نشانگر آن است که دولت آماده است با ادامه دفاع سرسختانه از الگوی آموزشی خود، هزینه نادیده گرفتن خواست‌های توده مردم در سه ماه گذشته را بپردازد. دولت و "راست‌گراها"ی شیلی با بهره‌گیری کامل از تمام وسیله‌هایی که در اختیار دارند- از رسانه‌های ارتباطی و پلیس و نیروهای نظامی گرفته تا پشتیبانی شرکت‌های بزرگ- و با تکیه به دروغ‌پردازی و شیوه‌های عوام‌فریبانه، تلاش در بی‌اعتبار کردن جنبش دارند. حاصل فشار اجتماعی‌یی که جنبش به وجود آورد این بود که پی‌نیه‌را ماهیت دولت‌ش را برملا کند، و نشان دهد که حاضر است کدام یک از معیارهای دموکراسی را ندیده بگیرد، و در واقع چه کسانی را نمایندگی می‌کند. نتیجه این وضع، بیزاری و ناخشنودی گسترده مردم از دولت او بود که در تازه‌ترین نظرسنجی‌ها- که خود دولت نیز نتایج آن را تأیید کرد- دیده شد.

زیر سؤال بردن ناتوانی دولت در عملی کردن خواست آموزش همگانی رایگان و با کیفیت خوب، با سرکوب بی‌سابقه‌یی مواجه شد که از هر حد و مرز قابل‌تحملی در یک حکومت قانون فراتر رفت. در این ماه‌های اعتراض، ما بدرفتاری فوق‌العاده نیروهای پلیس، و در پی آن، دستورهای صادره از سوی "رودریگو هینزپیترا"، وزیر کشور و امنیت ملی، را شاهد بودیم که هفته پیش با مرگ یک دانشجو به بحرانی‌ترین نقطه خود رسید.

س- حمایت مردم را ناشی از چه عواملی می‌دانید؟

ج- این جنبش از هر جنبش دیگری که از زمان اعاده دموکراسی (۱۹۹۰؛ زمان برکناری پینوشه) دیده‌ایم، توده‌ی‌تر و گسترده‌تر است. درصد بزرگی از آنانی که زمانی حامی پی‌نیه‌را بودند، متوجه شده‌اند که هدف این جنبش، حمله‌به موقعیت آنان نیست، بلکه حمله به آن الگویی است که آموزش و پرورش را یک کالا می‌داند و نه یک حق؛ حمله به نظام دموکراتیکی

است که مردم شمول نیست. زیر سؤال بردن نقش دولت از سوی شهروندانی که زمانی حامی رئیس‌جمهوری کنونی بوده‌اند، به‌روشنی از درک این مطلب حکایت می‌کند که مبارزه‌یی که ما به پیش می‌بریم، برای دست یافتن به حق آموزش و ایجاد چنان تغییری در نظام است که به سود همه جامعه و پیشرفت شیلی خواهد بود، و مزایای آن به بخش سیاسی خاصی محدود نخواهد بود.

س- آیا جنبش قطبی شده است؟

ج- برای شناخت این رویارویی، باید آن را از دو زاویه تحلیل کرد. نخست باید به این واقعیت توجه داشت که مسئله آموزش، معضل همه مردم در سراسر کشور است، و همین امر موجب پشتیبانی توده‌یی از جنبش، از سوی بخش‌ها و قشرهای گوناگون و همه دست‌اندرکاران امر آموزش، بوده است. اما از طرف دیگر، یک لایه ایدئولوژیکی اقلیت هم در درون طبقه‌های حاکم وجود دارد که به ایجاد تغییر در امر نظام آموزشی تمایلی ندارد، هم به این دلیل که سود مادی نظام کنونی به طور مستقیم به جیب آنان می‌رود، و هم به این دلیل که حافظ موقعیت ممتاز آنان در جامعه‌یی کم‌سواد است. این واقعیت که دو گزینه آموزشی مذکور در دو نقطه یا قطب مقابل یکدیگر قرار دارند، حاصل سرسختی و آشتی‌ناپذیری لایه حکومتی‌یی است که به آن اشاره شد. منظور این است که، قطبی شدن نه در درون جنبش دانشجویی- که توانسته است اتحاد را در اولویت کار خود قرار دهد و در مشارکت با دیگران عمل کند- بلکه ناشی از تضاد عمیقی است که بین ایجاد تغییرهایی که شهروندان عادی کشور خواستار آنند، و موقعیت اقلیتی محافظه‌کار و کهنه‌گراست که رئیس‌جمهوری منافع آنان را نمایندگی می‌کند.

س- شما هدف حمله‌ها و انتقادهایی نیز بوده‌اید. چه احساسی دارید وقتی می‌گویند

که شما آلت دست و مهره حزب کمونیست هستید؟

ج- البته من عضو سازمان جوانان کمونیست شیلی هستم، امری که نه فقط هرگز آن را پنهان نداشته‌ام، بلکه برعکس، به آن بسیار افتخار می‌کنم، چرا که مدرسه‌یی بسیار عالی است که به من امکان داده است از لحاظ سیاسی رشد کنم. انتظار آن هم می‌رفت که در شرایط کنونی،

آنانی که نمی‌توانند با معضلی که پیش آمده است درست برخورد کنند، برای حمله، آن هم نه فقط به شخص من بلکه به همه رهبران جنبش، دنبال ابزارهایی این چنینی بگردند.

اما آنچه روشن است این است که، در حال حاضر من نه فقط دانشجویان "دانشگاه شیلی" را نمایندگی می‌کنم، بلکه از من خواسته شده است که سخنگوی تمام دانشجویان سراسر کشور و "فدراسیون سراسری دانشجویان شیلی" (confec) نیز باشم. حقانیتی که هم دانشجویان و هم شهروندان عادی به تلاش‌های من داده‌اند، به اعتقاد من، به روشنی نشان می‌دهد که توسل به چنین برچسب‌زنی‌هایی چیزی نیست جز استفاده از شیوه‌های زشت و ناشی از درماندگی و استیصال از سوی کسانی که همان‌طور که پیش‌تر گفتم، نتوانسته‌اند در نبرد آراء و اندیشه‌ها پیروز شوند.

س- آیا تصمیم دارید در کشوری که فاقد رهبران جوان است، در آینده نیز به عنوان یک رهبر به فعالیت ادامه دهید؟

ج- در کشورهایی مثل شیلی که در آن رسانه‌های همگانی به طور عمده از سوی قدرتمندان هدایت می‌شود، تلاش می‌کنند که جنبش‌های اجتماعی و رهبران آن‌ها را بی‌اعتبار کنند، همان‌طور که در مکزیک کردند. اما جنبش کنونی "آموزش" در شیلی به قدری گسترده است که به‌رغم تلاش‌های تحقیرآمیز و اهانت‌بار رسانه‌ها، مردم راسخ‌تر از پیش به حمایت خود از آرمان این جنبش ادامه می‌دهند. اما در مورد آینده من، بارها و در مناسبت‌های مختلف به رسانه‌ها گفته‌ام که من برنامه‌های تحصیلی شخصی خودم را برای آینده‌ام دارم؛ می‌خواهم درسم را بخوانم و آن مسیر تحصیلی‌ام را ادامه دهم. من موقعیت فعلی خودم را به عنوان نماینده یک جنبش، یک مسئولیت می‌دانم نه یک امتیاز؛ بنابراین، از پیش و بدون فکر و بررسی نمی‌توانم بگویم که نمایندگی مردم را ادامه خواهم داد.

س- این مسئولیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج- به نظر من، همه آنانی که در این جنبش درگیرند، امیدوارند که دستاوردهای این جنبش، و نیز مسئولیت‌های آن، از دست نخواهد رفت و رها نخواهد شد. اگر هم در موردی یا

زمان‌هایی، شخص من مظهر این جنبش تلقی شده‌ام، با وجود این، برای همه ما روشن است که دستاوردهای جنبش حاصل کار جمعی ما بوده است.

من تردیدی ندارم که ما کارها را خیلی خوب انجام داده‌ایم و پیش برده‌ایم، و همین حمایت باورنکردنی مردمی پس از سه ماه که از بسیج اولیه می‌گذرد، دلیل و شاهد آن است. اگر در این مرحله از حرکت، جنبش می‌بیند که خواست‌هایش هنوز برآورده نشده است، باید گفت که علت آن، کارشکنی و آشتی‌ناپذیری دولت و راست‌گراهای شیلی و خیانت آن‌ها به مردم است، یعنی چیزی که ما حاضر به تحمل آن نیستیم.

برگرفته از: نشریه "گرانما"، چاپ هاوانا، ۲۴ شهریورماه (۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱)

برگرفته از نامهء مردم